ملالی موسی نظام ۱۲ فبروری، ۲۰۲۳

آقای روستار تره کی عمریست که یک تنه بر ناحق میجنگید

بیایید که این داوری ها را به پیش داور اندازیم

دیرهاست که به این باورم که تحصیل میتواند تاحدی بر رویه و روش اجتماعی اشخاص مؤثر باشد و اگر غرایز متفاوت و عادات ذاتی در انسان ها بر منطق و باور های آنان طوری حاکم گردد که همه عمر راهی را طی نمایند که به انجماد و انزوای عقاید آنان منجر گردد، دیگر همان میشود که برعکس افکار عمومی مردم خود، محروم ساختن نیمی از ملت افغانستان را از حقوق حقهٔ آن قشر مظلوم، همیشه نادیده میگیرند... حتی اینکه آیندهٔ ملیون ها دختر افغان تا صنف ششم محدود گردیده و دروازهٔ بیشتر از صد پوهنتون در خاک وطن بر روی آنان مسدود میگردد، گویا بحال بعضی ها تأثیری و به خاطر شان تأثری وارد نمی نماید!

آقای روستار تره کی علی الرغم سوابق تحصیلات حقوق، از همان آغاز ایجاد مطبوعات افغانی در مهاجرت دانسته یا ندانسته و بدون شک به تنهایی و یک تنه بر علیه اساسات و مواد مندرجهٔ «حقوق بشر» میجنگد. درین نبرد از استدلال منطقی ای که حق مباحث طرفین را بر آزادی فکر و بیان تضمین می نماید، متأسفانه اثری نیست. از قضاء چندی بعد از ختم جنگ عمومی دوم و ایجاد سازمان ملل متحد، افغانستان در سال ۱۹٤۸ از جملهٔ اولین کشور هایی بود که «اعلامیهٔ ارزشمند حقوق بشر» را امضاء نمود که آن تعهد هنوز با نقض مطلق مواد مندرجهٔ آن «ظاهراً» پابرجاست.

مشاهده میگردد که در پهلوی منع تحصیل دختران افغان و محصور گردیدن زنان و منع کار و دریافت معاش برای اعاشهٔ فامیل هم برای داکتر صاحب حقوق معضلهٔ غیر بشری و علیه مواد مندرجهٔ « اعلامیهٔ حقوق بشر» شناخته نمیشود چونکه الحمدلله خود در غرب با فامیل، با رفاه آرامیده است و به آتشی که آن خانواده ها را میسوزاند، باوری ندارد.

در جوابی که آقای روستار تره کی به ارتباط ادعای« یکطرفه قضاوت نمودن اینجانب» در وبسایت وزین آریانا افغانستان آنلاین به مطلب شش سال قبل من البته بعد از گذشت سال ها «؟!» تحریر داشته است به دو نکتهٔ اساسی بر میخوریم:

اول - همانطوریکه در بالا ذکر گردید، آقای تره کی بدون در دست داشتن دلیل منطقی ای این شاگرد را محکوم به داشتن «باداران امریکایی» و جانب گیری از آنها می نماید؛ اینکه جنایات دو دههٔ طالبان بر مردم بی دفاع افغانستان در همان نوشتهٔ شش سال قبل لست گردیده است، بی اساس نمی باشد چون بدون شک هر زمانی که عملیات انتحاری در شهر ها و اجتماعات مردم افغانستان و یا مین گزاری در کشتزار ها و باغ های کشور مثلاً هلمند و ارغنداب صورت میگرفت، فوراً طالبان ذریعهٔ «ذبیح الله مجاهد» مسؤلیت ارتکاب آن عملیه را می گرفتند. مگر لشکر طالب در افغانستان که کورکورانه از آنسوی سرحدات و بیشتر از کویته و وزیرستان شمالی هدایت و رهنمونی میگردید، به زعم آقای تره کی، چنین اعمالی را مرتکب نمی گردیدند؟! آیا قبول مسئولیت آنان برای ایجاد هزاران عملیهٔ تخریبی بر مردم عام غیر نظامی و باشندگان کشور بشمول آتش زدن مکاتب دختران و صد ها جلد کتاب و قرآن عظیم ألشأن و مین گزاری در کشتزار ها میتواند ذریعهٔ آقای تره کی نفیه گردد؟!

دوم - اینکه من جنایاتی را که قوای ناتو و در رأس آن امریکا بر مردم بی دفاع افغانستان وارد نمودند، با تهمت و ادعای آقای روستار تره کی، به جانب گیری از «بادارن خویش ؟» انکار نموده باشم، واضح است که وی با چنین افتراء بی ثبوت مثل همیشه چنان در افکار و قضاوت افراطی یکجانبه اشتغال دارد که از صد ها مقاله و ادعای اینجانب «*» در تقبیح آن اعمال که مسلماً جنایات بشری تلقی میگردند، مطلق بی اطلاع تشریف دارد! درین صورت به قضاوت هموطنان ما، آیا در پهلوی اعمال سخیف و ظالمانهٔ قوای ناتو، آقای روستار تره کی از آن همه حملات انتحاری و هزاران حلقه مین اکثراً ساخت ایران که طالبان در کشور خودشان و برای کشتار مردم خود بکار میبردند، سطری به عنوان اعتراض تا به حال تحریر داشته است؟!!

در نتیجه، لست طویلی که آقای روستار تره کی از بمباردمان های قوای ناتو بر خاک افغانستان و مردم بی دفاع آن منتشر نموده است، قابل باور بوده و حقیقت دارد، طوریکه این قلم سالها بر اکثر آن جنایات انتقاد نموده و آن را تقبیح کرده ام. ولی اگر احصائیهٔ تلفات از حملات طالبان را در دو دهه حضور قوای بین المللی در افغانستان مشاهده نماییم، تعدادی از غیر نظامیان بیدفاع کشور که

ذریعهٔ حملات متفرقهٔ طالبان کشته و زخمی گردیده اند، اصلاً قابل مقایسه با آنچه آن گروه بر عساکر خارجی به نام «جهاد» وارد آورده اند، نمی باشد. مگر چرا؟! جواب این سوؤال مهم حق همه مردم افغانستان است، چونکه به مقابل تلفات کمتر از پنج هزار عسکر خارجی در ۲۰ سال از آنهمه ممالک در افغانستان، مردم مظلوم کشور ما صد ها هزار کشته و زخمی داشته اند؛ تنها تلفات پلیس و اردوی ملی تا ۵۰ هزار بالغ میگردد.

بگمانم آقای روستار ترکی از روشی که اینجانب منحیث فعال حقوق بشر به باور و پیروی از اعلامیهٔ ارزشمند آن، مبارزهٔ متداوم برای حقوق زن و دختر افغان و داشتن احترام متساوی به حقوق تمام تابعین افغانستان از هر قوم و تباری، اتخاذ نموده ام، به استناد صد ها مطلب و مضامینی که در مطبوعات افغانی منتشر گردیده، دقیقاً بیخبر تشریف داشته است؛ ورنه مرا دشمن طالب و بر ضد آن گروه زن ستیز قرار نمیداد. امروز اگر صلحی بالاخره نصیب مردم افغانستان بشود، حقوق و امتیازات زن و مرد افغان اعاده گردد، پرنسیپ های حقوق بشر عملاً مراعات گردد و یک دولتی متکی بر قانونیت، اعادهٔ حقوق فردی و عدالت اجتماعی برای همگان تشکیل گردد، بر خلاف نظرات ضد و نقیض آقای روستار تره کی، مورد پسند ملت خواهد بود. به امید آنروز!

نوت:

از جمع صدها مطلبی که برای حمایت از حقوق بشر، حقوق زن و دختر افغان ازین قلم در مطبوعات افغانی به نشر رسیده است، مشت نمونهٔ خروار، نمونه هایی برای قضاوت هموطنان محترم تقدیم میدارم:

file:///C:/Users/Owner/Downloads/m.Nezam-bozorg-dasht-az-rooz-).pdf۱(۲۰%hoqor-bashar

Dawatmrdia۲٤.com